

بررسی تطبیقی سیاست جنایی ایران و ترکیه

در جرایم منافی عفت

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

پیمان نریمان زاده^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

حمید فتح‌اله زاده^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز

چکیده

منظور از جرایم منافی عفت جرایم جنسی حدی و همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد. وجدان و اخلاق عمومی همواره ارتکاب جرم را عملی غیراخلاقی و ناپسند می‌داند. «جرائم منافی عفت» به جهت تعرض به حیات مادی و معنوی انسان‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. در راستای مبارزه با این جرائم، جامع بودن ادله ثبت نقش به سزایی ایفا می‌نماید. هدف این پژوهش سیاست جنایی ایران و ترکیه در جرایم منافی عفت می‌باشد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی (محتوی) می‌باشد. نتایج نشان داد هر دو کشور ایران و ترکیه رویکردی پیشگیرانه و محکوم‌گرایانه دارد اما در بعضی جرایم کشور ترکیه سکوت اختیار کرده و صحبتی به میان نیاورده است. در قانون مجازات اسلامی ایران نیز برای اثبات جرائم منافی عفت به وجود دلایل خاص قانونی منوط شده است. چنانچه آن دلایل قانونی خاص وجود نداشته باشد و متهم انکار نماید هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان ممنوع است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، جرایم منافی عفت، جرایم مستوجب حدی، جرایم مستوجب تعزیر، قوانین کشور ایران، قوانین کشور ترکیه

^۱ نویسنده مسئول Peyman2241@gmail.com

^۲ hamidfathullazadeh@gmail.com

بخش اول: کلیات و تحلیل حقوقی ابعاد موضوع

بی تردید در میان انواع مختلف جرایم، جرایم منافی عفت به لحاظ آثار خاص و تبعات زیانبار حیثیتی و اجتماعی که در پی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نتایج زیانبار در جامعه‌ای مانند ایران که بافت فرهنگی مردم از دین نشأت گرفته است، شدیدتر خواهد بود. این جرائم در طبقه بندی جزء جرائم خلاف عفت و اخلاق عمومی جامعه است. تعیین مصادیق این جرائم با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در سیاست جنایی ایران دارد، مسأله مهمی است، واژه ی «عفت» در فقه به عنوان یکی از شرایط «احصان» در بحث قذف به کار رفته است و فقها «غیر عقیف» را به معنای متظاهر به زنا یا لواط یا بعضاً به معنای متظاهر به فسق دانسته اند. با این وجود در مورد شمول عنوان «اعمال منافی عفت عمومی» نسبت به اعمال و رفتارهایی که دو جنس مخالف و فاقد علقه‌ی زوجیت در انظار دیگران انجام می دهند، و نیز اعمال و رفتارهای غیرجنسی مخالف با نظم و اخلاق عمومی جامعه، تردید وجود دارد. از این رو، و به ویژه به این دلیل که این عنوان، موضوع بسیاری از احکام تکلیفی در فقه و دستاویزی برای جرم انگاری و محدود کردن اعمال و رفتارهای شهروندان قرار گرفته است، در تعریف عمل منافی عفت چنین بیان نموده اند: امور جنسی شرم آور در عرف یک جامعه که برای مواقع یا شروع در آن، صورت نگیرد؛ اگر صورت گیرد هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس نامیده شده است. پس ملاک غرض مجرم است. در معنای عام شامل همه صور مزبور است. اعمال منافی عفت را به سه دسته تقسیم می کند: ۱- جریحه دار کردن عفت عمومی، ۲- هتک عفت، ۳- هتک ناموس (گودرزی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸۵). ویژگی‌های خاص جرایم منافی عفت با رضایت طرفین همچون قاعده درأ پذیرش جهل حکمی و موضوعی، عفو و توبه مجرم و... در تجاوز به عفت راه ندارد. تجاوز به عفت بحث تعدد جرم مطرح است، یعنی هم جنبه حق الهی دارد و از جهت جرم منافی عفت و هم جنبه حق الناسی از جهت تجاوز و تعدی به حق دیگری بدون توجه به اراده و اختیار وی. اگر مرتکب در ضمن تجاوز به عفت به ایراد ضرب و جرح نیز پرداخته باشد در این حال به جرم ارتكابی تعدد مادی نیز می باشد. بررسی جرایم گوناگون، شیوه برخورد و پیشگیری نسبت به آنها از



گذشته تا حال مورد توجه دانشمندان و فلاسفه حقوق کیفری بوده است و در هر زمان و به دلایل مختلف، بر جنبه‌ای خاص از موضع تأکید بیشتری صورت گرفته است. در دوره‌ای به جرم و برخورد با آن، در دوره دیگر مجرم و در دوره بعد این جامعه بود که هدف و غایت بررسی‌ها را به خود معطوف نموده بود. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۵۳). موضوع جرایم منافی عفت نیز از این امر مستثنی نبوده و نیست و به دلیل اهمّتی که دارد از دیرباز مورد توجه اندیشمندان در رشته‌های مختلف بوده است و در علوم مختلف به آن پرداخته شده است. گاه مورد بررسی علم اخلاق بوده است، گاه در عرفان از آن دم زده اند یا در علوم زیستی از آن سخن می‌گشایند و یا در علم روانشناسی مورد بحث است یا دستمایه‌ای برای رشته ادبیات تا داستانی باشد برای مطالعه خوانندگان. (صفاری، ۱۳۹۰: ۲۸۰ - ۲۸۱)

جرایم منافی عفت، اصول اخلاقی، عفت عمومی و خصوصی را مختل می‌نماید به همین علت از دیرباز حکومتها به این جرایم توجه ویژه داشته‌اند و آن را مورد جرم‌انگاری قرار داده‌اند، در کشور ما قانونگذار به تبع از فقه شیعه به جرم‌انگاری جرایم منافی عفت پرداخته و عیناً مجازات موجود در فقه را در ق.م.ا آورده است. با توجه به اینکه این جرایم جزء فطرت و غریزه انسان بوده و در زمان و مکان متغیر است، با وجود این مجازات سنگینی برای آن وضع شده است ولی نکته مهم‌تر راه رسیدن به کیفر است چرا که قانونگذار شرایط سختی را برای اثبات و در صورت اثبات، شرایط سختی را برای اجرا از نظر گذرانده است که جمع شرایط مقرر امری است بسیار مشکل، مسئله اصلی هدف از چنین ساختاری است. مقنن در قانون تعریفی از جرایم منافی عفت ذکر نکرده است در نتیجه عناصر کلی این جرایم مشخص نیست و قانون‌گذار بجای اینکه جرایم منافی عفت را تعریف کند تا مصادیق آن مشخص شود، مصادیق آن را احصا کرده تا تعریف آن مشخص گردد (آخوندی: ۱۳۹۰، ۳). تعیین مصادیق این جرائم با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در سیاست جنایی ایران دارد، مسأله مهمی است. در این جرائم آسیب و ضرر و زیان ناشی از جرم بیش از آنکه مادی باشد، روانی و حیثیتی است؛ لذا جبران آن از سایر جرائم دشوارتر است. به گفته‌ی محققین در تمام کشورها رقم سیاه بزه کاری در این جرائم بیش از سایر جرائم است؛ شاید مهم‌ترین دلیل آن عدم تمایل



بزه دیده به گزارش موضوع به پلیس برای جلوگیری از لکه دار شدن حیثیت او در خانواده و اجتماع است. به هر حال تشخیص درست موارد لزوم دخالت قاضی، کشف جرم، تعقیب مجرم و تحقیق از او در این دسته از جرائم لازمه رسیدن به اهداف سیاست جنایی در مواجهه با این جرائم است؛ اهدافی که با ملاحظات خاص شرعی نیز باید همراه باشد. (محمدعلیزاده، جواد و لیلا ستوده چنچه، ۱۳۹۴). از این رو قانونگذار، حقوقدانان و جرم شناسان به جهت ابعاد وسیع این جرایم، برای مواجهه با آن، توجه ویژه‌ای به علل و راهکارهای حقوقی و جامعه شناختی دارند. چنین توجهی در قوانین کیفری ایران نیز انعکاس یافته و رویکردی افتراقی نسبت به این جرایم را میتوان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده کرد. در نظام حقوقی ایران، علنی بودن دادرسی کیفری به عنوان اصلی بنیادین در دو اصل ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی و نیز در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیشبینی شده است، که این امر حاکی از توجه قانونگذار ایرانی به اهمیت و تأثیر اصل مزبور در تضمین حقوق و امنیت قضائی افراد است. اما در جرائم منافی عفت دادگاه میتواند پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکمه را صادر نماید. بنابراین، غیرعلنی بودن دادرسی، امری استثنائی و محدود به موارد مصرح قانونی است که این امر به دلیل محروم شدن از یکی از حقوق اساسی در خصوص این جرائم نیازمند بررسی میباشد. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری با ایجاد سازو کارهای (ممنوعیت تحقیق و تعقیب) در جرایم منافی عفت بر بزه پوشی تصریح و تأکید نموده است و گامی بلند در جهت حفظ و رعایت حریم خصوصی شهروندان برداشته که همسو با سیاست جنایی اسلام است. با توجه به اینکه این جرایم جزء فطرت و غریزه انسان بوده و در زمان و مکان متغیر است، با وجود این مجازات سنگینی برای آن وضع شده است ولی نکته مهم‌تر راه رسیدن به کیفر است، چرا که قانون‌گذار شرایط سختی را برای اثبات و در صورت اثبات، شرایط سختی را برای اجرا از نظر گذرانده است که جمع شرایط مقرر امری است بسیار مشکل، مسئله اصلی هدف از چنین ساختاری است، به عبارت دیگر شارع حکیم از چنین ساختاری چه هدفی را دنبال می‌کند؟ از طرفی مجازات را سخت و سنگین وضع نموده (علاوه بر این در روایات



ائمه اطهار (ع) از مجازات‌های اخروی شدید سخن به میان آمده است) تا مردم با دید سنگینی مجازات به قبح و زشتی شدید آن، از آن روی گردان باشند، و از طرف دیگر، راه رسیدن به کیفر را یعنی شرایط اثبات و اجرا را سخت مقرر نموده تا این جرایم حتی المقدور اثبات نگردد، چرا که با اثبات این جرایم قبح آن از بین می‌رود و مردم نسبت به آن متجری می‌گردند و کم‌کم فحشا اشاعه پیدا می‌کند، و از طرف دیگر حتمیت و قاطعیت اعمال کیفر را وصف آن نموده تا فکر گریز از مجازات در ذهن افراد خطور نکند، همان که بیان شد اسلام و به طبع جمهوری اسلامی ایران از سیاست جنایی خاصی در این زمینه بهره می‌جوید، و بیشتر به پیگیری نظر دارد تا اعمال کیفر، یعنی هدف از چنین ساختاری پیشگیری از این جرایم است، این در حالی است که اسلام راه‌های پیشگیری مؤثری را عرضه نموده که از همان ابتدا ریشه جرم را می‌خشکاند مثل حرمت نگاه به نامحرم، تحریم خلوت با نامحرم، ازدواج و... ابهام و یا مسئله‌ای که در این موضوع وجود دارد اینست که سیاست جنایی ایران در خصوص موضوع فوق با توجه به تفاسیر مختلف از موضوع فوق در فقه و حقوق چگونه ارزیابی می‌گردد. طبق قوانین جاری ترکیه، که به قوانین مربوط به رابطه جنسی با فرد صغیر در بسیاری از کشورها بی‌شبهت نیست، ارتباط جنسی با افراد زیر سن قانونی ولو به عنف هم صورت نگرفته باشد، تجاوز جنسی محسوب می‌شود. در ترکیه سن قانونی برقراری رابطه جنسی هجده سال است اما دادگاه می‌تواند اجازه ازدواج در سنین پائین‌تر را صادر کند. پیگرد مرتکبین ارتباط جنسی با افراد پانزده سال تا هجده سال هم مستلزم وجود شاکی خصوصی است. علاوه بر این، عادات فرهنگی موجود باعث می‌شود تا بخش‌های سنتگرا و مذهبی جامعه ترکیه که به ازدواج در سنین پائین‌تر معتقدند، به شیوه‌های مختلف سن قانونی ازدواج را نادیده بگیرند.

در فرهنگ سنتی ترکیه، مناسبات مربوط به زنان اینگونه است که در آن قتل‌های ناموسی به عنوان یک پاسخ قابل قبول و مناسب برای آن دسته از اقدامات زنان که از نظر جنسی غیراخلاقی تلقی می‌شوند، به حساب می‌آید و از طرف دیگر اگرچه قانون ترکیه در ظاهر به زنان برابری قانونی اعطا می‌کند، اما در صورتی که قضات تشخیص دهند جنایتی که علیه زنان صورت گرفته مربوط به



ناموس بوده است، مجازات مرتکبان چنین جرایمی به شدت کاهش می یابد و به آن ها تخفیف داده می شود. در همین راستا در طی چندین سال اخیر، سیاست های کشور ترکیه در خصوص موضوعاتی نظیر قتل های ناموسی و جرایم منافی عفت در این کشور توجه زیادی را از سوی سازمان های حقوق بشر دریافت کرده اند. کشور ترکیه همواره به عنوان پلی بین خاورمیانه سنتی و اروپای مدرن در نظر گرفته شده است. برای مثال، در فرهنگ سنتی ترکیه، مناسبات مربوط به زنان اینگونه است که در آن قتل های ناموسی به عنوان یک پاسخ قابل قبول و مناسب برای آن دسته از اقدامات زنان که از نظر جنسی غیراخلاقی تلقی می شوند، به حساب می آید و از طرف دیگر اگرچه قانون ترکیه در ظاهر به زنان برابری قانونی اعطا می کند، اما در صورتی که قضات تشخیص دهند جنایتی که علیه زنان صورت گرفته مربوط به ناموس بوده است، مجازات مرتکبان چنین جرایمی به شدت کاهش می یابد و به آن ها تخفیف داده می شود. در همین راستا در طی چندین سال اخیر، سیاست های کشور ترکیه در خصوص موضوعاتی نظیر قتل های ناموسی و جرایم منافی عفت در این کشور توجه زیادی را از سوی سازمان های حقوق بشر دریافت کرده اند (روبین ۲۰۱۰: ۲۱). در سالیان اخیر، همچنین نظام قضایی ترکیه، در تلاش برای محافظت از سلامت بدنی و حقوق بشر زنان، تجاوزهای زناشویی را جرم تلقی کرده است. معاینات مربوط به بکارت بدون رضایت زنان ممنوع شده اند و تنها با صلاحدید دادگاه در جهت تحقیقات جنایی مجاز هستند (آکار و آلتوناک ۲۰۱۳، ۲). به بیانی دیگر، اگرچه دولت ترکیه برخی اصلاحات قانونی را با هدف از بین بردن تعصبات ناموسی تصویب کرده است، اما نظام اجتماعی عمیقاً مردسالار قوانین جدید را بی اثر کرده است. ماده ۱۰۲ به بعد قانون مجازات ترکیه به صورت کلی هر گونه تجاوز جنسی از اعم از لواط و زنا را مستوجب مجازات حبس از هفت تا ده سال می داند. بر اساس این ماده در صورتی که لواط با شی خارجی باشد مجازات حبس به ۱۲ سال افزایش می یابد. استثناء



دیگری که بر این ماده وارد است اینکه بر اساس بند ۶ ماده اخیر الذکر و بند ۷ ماده ۹۶ (در خصوص لواط با کودکان) اگر تجاوز منجر به فوت مجنی علیه گردد مجازات جانی حبس ابد است.

تبیین سیاست جنایی و تعیین واکنش های کیفری در قوانین، عموماً از اصول و مبانی مشترکی پیروی میکند. در تعیین این واکنشها، تعریف بزه، ارکان تشکیل دهنده آن، مبانی مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر مجازاتها، به گونهای عمل میشود که کاربردی کمابیش یکسان در مورد انواع بزه و بزهکاری داشته باشد. به عنوان مثال همه جرایم از ارکان سه گانه برخوردار بوده و کیفیات مخففه و مشدده در همه جرایم به صورت کمابیش یکسان اعمال میشود. همین ویژگیهای مشترک را در بُعد شکلی یعنی آیین دادرسی کیفری نیز میتوان مشاهده کرد. در این زمینه آیین های حاکم بر کشف بزه، تعقیب، محاکمه و اعمال مجازات علیه بزهکاران اشتراک بنیادین دارند. در قوانین کیفری در زمینه اثبات جرایم جنسی نیز رویه ای متفاوت برگزیده شده است و برای اثبات بعضی از جرائم منافی عفت، وجود شرایط خاصی پیشبینی شده است. سیاستگذاران حوزه سیاست جنایی و سیاست کیفر تلاش میکنند برای تحقق عدالت و حفظ حقوق و آزادیهای فردی، قواعدی یکسان را برای مقابله با همه مصادیق بزه و بزهکاری به کار بندند. اما گاهاً مصالح جامعه، ویژگیهای خاص بزهکار و یا بزه دیدگان و یا آثار گستردهای که گونهای خاص از بزه در جامعه دارد، باعث میشود که قانونگذار در مواردی استثنایی شیوه هایی متمایز از شیوه های عام و کلی متعارف حاکم بر بزه وضع نموده و یا به همین سبب آیین هایی متفاوت از شیوه های متداول دادرسی تبیین نماید. الگوهایی از اینگونه رویکرد دو گانه را در جرایم منافی عفت میتوان مشاهده کرد. سیاست جنایی تقنینی و قضایی در حوزه جرایم منافی عفت و جرایم جنسی از الگوی یکسانی بهره نمی گیرند و در عمل رویه قضایی چندان به سیاست های تقنینی پایبندی نداشته و در مواردی از آن عدول می کند. با این وجود عواملی چون عوام گرایی کیفری، رسانه ای شدن موضوع جرم، ویژه گی خاص بزه دیده یا بزهکار در گرایش سیاست جنایی قضایی به الگوی سزا دهنده تاثیر بسزایی دارد و به رغم سیاست های کیفری سخت گیرانه آمار جرایم جنسی حکایت از موفقیت نه چندان



الگوی کیفری حاکم بر این نوع از جرایم دارد. لذا تلاش برای ارائه ی مفهوم و معیاری دقیق و یکسان از عفت عمومی و یافتن پاسخ این سؤالات که «تحریم اعمال منافی عفت عمومی بر چه مبانی استوار است؟ معیار تشخیص این اعمال چیست؟»، و رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نسبت به جرایم منافی عفت و تفسیر و تحلیل فقهی و قانونی ماده ۱۰۲ و ۳۰۶ این قانون چیست؟ اسباب تحقق و زوال احصان در جرائم منافی عفت با توجه به قانون جدید مجازات اسلامی کدامند؟ ادله اثبات جرایم منافی عفت چیست؟ در چه مواقعی جرایم منافی عفت قابل پیگیری قضایی نیست؟ مصادیق جرایم منافی عفت در سیاست جنایی ایران و ترکیه چیست؟ آیا تغییر در رویکرد و شیوه مجازات در سیستم حقوق کیفری ایران در رابطه با اعمال منافی عفت لازم است؟ ضروری است و موضوع اصلی این پژوهش را تشکیل میدهد.

با توجه به مطالب ارائه شده ما در این تحقیق در پی دستیابی به تشریح سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران و ترکیه در مورد جرایم منافی عفت هستیم. در این تحقیق، بخشی از قانون مجازات اسلامی کشور ایران (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت که تعداد قابل ملاحظه‌ای از مرتکبین و قربانیان آن جرائم را زنان و جوانان تشکیل می‌دهند. در این راستا ضمن تحلیل حقوقی مواد قانونی حاکم بر نظام حقوقی ایران، موضوع در رویه محاکم کشور ایران نیز مورد مطالعه قرار گرفته است، و جهت تطبیق قوانین داخلی با قوانین کیفری خارجی، تاسیس و نهاد های کیفری مشابه در نظام حقوق کیفری ترکیه را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. این تحقیق به دنبال بررسی میزان کارآمدی سیاست جنایی ایران و ترکیه در تضمین حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرایم منافی عفت است تا از این رهگذر به این نتیجه دست یابیم که مقنن تا چه حد در نیل به اهداف مورد نظر در این زمینه موفق بوده و این خود تا چه حد با استانداردهای مطلوب فاصله دارد. تلاش محقق بر این است تا علاوه بر تبیین مفهوم جرایم منافی عفت و مصادیق آن در نظام حقوقی دو کشور ایران و ترکیه، به نقد و بررسی عوامل مختلف فردی و اجتماعی و وضعی موثر در وقوع جرایم منافی عفت پرداخته و راهکارهای مطلوب و کارآمد برای پیشگیری از وقوع این جرایم



ارائه شود. لذا از برآیند مذاقه در نظر و عمل، خلأها و کاستی‌های این مبحث کشف و راه‌کارهای حل آن ارائه گردیده است.

بخش دوم: بررسی فرضیه های تحقیق

بند اول: فرضیه های اصلی

سیاست تقنینی ایران و ترکیه در رابطه با اعمال منافی عفت تابع دو اصل چشم پوشی و سخت گیری در اثبات می باشد و مبتنی بر پیشگیری از طریق کیفرهای سخت و قضا‌دایی و بزه پوشی است. در مرحله ثبوتی، دید قانونگذار موسع بوده و قاضی را در مسیر قیاس و تمثیل قرار می دهد لکن در مرحله اثباتی قضات بیشتر متمایل به رویکرد مضیق در تفسیر می باشند.

بند دوم: فرضیه های فرعی

۱- بنظر می رسد که الگوی کیفری حقوق ایران و ترکیه در سیاست گذاری های تقنینی در برخورد با جرایم جنسی در نگاه اول مبتنی بر سیاست سزادهنده با رویکرد بازدارندگی است ، با این وجود با وضع قواعدی همچون توبه ، درء الحد، پیش بینی پرداخت خسارت به بزه دیده در موارد خاص مبانی و ظرفیتهای مدل اصلاح و درمان و ترمیمی نیز در آن دیده می شود. قانونگذار در ایران در جهت همگرایی با سیاست جنایی اسلام در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق این جرایم را اعلام و آن را صرفا در موارد استثنایی تجویز نموده است. و مبنای جرم انگاری این جرایم در ایران هم وابسته به فقه امامیه است.

۲- به نظر می رسد مصادیق جرایم منافی عفت در قوانین کیفری ترکیه تقویت کننده ساختار تبعیض جنسی در این کشور باشد (بخصوص در زمینه تجاوزهای زناشویی) و از این نظر با جرایم منافی عفت، تعاریف و مصادیق آن در قانون کیفری ایران متفاوت است و محتوای تبعیض آمیز بیشتری دارد.

۳- به دلیل ریشه قوانین کیفری ترکیه در سنت‌ها، و تاکید بر اخلاق و عفاف، قوانین براین نکته صحه می گذارد که بدن و جنسیت زنان باید کنترل شود و به عنوان کالای جامعه، خانواده یا مردان در نظر گرفته شود. این طور برداشت می شود که این ارزشهای ذهنی مستتر در روح جامعه به عنوان معیاری برای



قانونگذاری در نظر گرفته شده و در نهایت به عنوان ابزاری برای نقض حقوق بشر زنان عمل می کند و منجر به تضعیف اختیارات قانونی دولت در عرصه اجتماعی می شود.

بخش سوم: روش اجرا

روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی است روش مطالعه بر مبنای تجزیه و تحلیل و نقد مواد قانونی و ملحوظ نظر قرار دادن کلیه کتب، رساله ها، مجلات و ماهنامه ها، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، تقریرات اساتید فن و مقالات منتشره در مجلات معتبر بوده است. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، از روش کتابخانه ای یا اسنادی بهره گرفته شده است. محقق پس از مطالعه قوانین و مقررات موجود در زمینه جرایم جنسی، کتب، پایان نامه و رساله های دانشگاهی و نشریات علمی موجود به جمع آوری اطلاعات پرداخته و نتیجه حاصله مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و نظر برخی از فقها و حقوق دانان در ارتباط با موضوع مطرح شده است.

بخش چهارم: متغیرهای تحقیق

جرم: جرم در معنای لغوی مترادف گناه، تعدی، خطا و عصیان آمده است. (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷: ۷۶۵۷). و جمع آن اجرام و جروم است. (عمید، حسن، ۱۳۶۰، ۶۸۶). پس جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل بزه میشود و هم شامل گناه و استعمال آن در زبان فارسی و به عنوان فعل و ترک فعل قابل کیفر عاری از اشکال نیست. (خالقی، علی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱). تعریف مصطلح جرم از معنای لغوی آن فاصله داشته و بر حسب رشته مربوطه، شرایط و قیودی بر معنای لغوی وارد شده است به عبارت دیگر آنچه عملی را جرم می سازد جنبه عینی و بیرونی عمل نیست بلکه تعیین کننده جرم قضاوتی است که جامعه در مورد آن می کند. از نظر حقوق جزا: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد جرم محسوب می شود. (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی).

عفت: عفت در لغت به معنای حفظ نفس از تمایلات و شهوت نفسانی آمده است. «حیا» نیز به حفظ نفس از ضعف، نقص و دوری از عیب و امور پست معنا



شده است (راغب اصفهانی: بی تا، ج ۱، ۳۳۹).

عنف: علف اصطلاحاً عبارت است از توسل به زور به قصد ایراد صدمه یا خسارت به کسی یا توهین یا تعرض جنسی و یا کشتن او. اکراه در فرهنگ فقهی و حقوقی عبارت است از وادار کردن دیگری به انجام کاری بر خلاف رضای وی از طریق تهدید به مرگ یا ایراد ضررهای مادی یا معنوی.

جرائم منافی عفت: مقنن در قانون تعریفی از «جرائم منافی عفت» ذکر نکرده است و حتی ضابطه و معیار خاص قانونی نیز ارائه نداده است تا بر آن مبنا بتوان جرائم منافی عفت را شناخت. در نتیجه عناصر کلی تشکیل دهنده این نوع جرم‌ها مشخص نیست. قانونگذار به جای این که جرائم منافی عفت را تعریف نماید تا مصادیق آن معلوم شود، مصادیق را احصا کرده است تا تعریف آن مشخص گردد. این روش را تعریف به مصداق می‌نامند و آن غیر از تعریف کلی، جامع و مانع می‌باشد که مطلوب اهل علم بوده و کاربرد فراوان دارد. به علاوه احصا مقنن حصری نبوده و تمثیلی می‌باشد (آخوندی: ۱۳۹۰، ۴۴). بررسی مواد قانونی مربوط به جرائم منافی عفت تعزیری نشان می‌دهد که جرائم منافی عفت تعزیری هرگونه رابطه جسمی میان زن و مرد که در حد زنا نباشد و ارتکاب علنی اعمال حرام، بی حجابی و دایر کردن مراکز فساد و فحشا را در برمی گیرد. اما این تعریف و تعیین قلمرو ناقص است زیرا جرائم منافی عفت تعزیری با توجه به مبانی شرعی، محدود به روابط جسمی مرد و زن نیست بلکه رابطه دو مرد یا دو زن را نیز در برمی گیرد. پس جرائم منافی عفت مجموعه جرایمی است که در زمینه روابط جنسی نامشروع و غیرقانونی هستند.

سیاست جنایی: سیاست جنایی از نظر لغوی به معنای تدبیر و تدبیر و چاره اندیشی برای پدیده مجرمانه که در قلمرو سیاست جنایی شامل انحراف و جرم می شود آمده است. این تدبیر و تدبیر ممکن است در قالب شیوه های مختلف رسیدگی و پاسخ های گوناگونی برای رویارویی با جرم یا انحراف متصور و معمول شود.

بخش پنجم: بحث و بررسی

مطالعات حقوق تطبیقی یکی از موضوعات مهم و ارزشمند علم حقوق است که حقوق دانان را یاری می کند که از حقوق کشور های دیگر آگاهی و اطلاع یابند. و



وجوه اشتراک و افتراق میان کشورها و قوانین حقوقی حاکم بر آنها را دریابند و موجب شناخت حقوق دانان از نظام های حقوق مختلف جهان می شود. از این رو این نوع مطالعات از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. از آنجایی که تجربیات ملل مختلف در قوانین آنها منعکس شده است؛ از اینرو مطالعات حقوق تطبیقی وسیله خوبی برای دریافت تجربیات ملل مختلف جهان است و لازمه آن اطلاع از حقوق و قوانین کشورها دیگر است. امروزه هیچ کشوری بی تاثیر از تحولات حقوقی و سیاسی نظام بین الملل نیست. هر کشوری برای داشتن کشوری با ثبات باید تلاش کند با درک تحولات حقوقی و سیاسی سایر کشورها از نقاط ضعف و مثبت حقوقی آنها در شکل گیری قواعد حقوقی خود کمک بگیرد و لازم آن اطلاع از حقوق و قوانین کشورها دیگر است. از طرفی در هنگام سفر یا مهاجرت، اطلاع دقیق از قوانین خاص کشور مقصد، بخصوص قوانین کیفری و جزایی از ضروریات به حساب می آید. بسیاری از اعمال و رفتارها در کشور متبوع خود عادی تلقی گردیده در حالی که در کشور مقصد ممکن است نه تنها عادی نبوده بلکه جرم تلقی شود.

مسائل جنسی و روابط نامشروع از جمله مسائلی است که از دیرباز در جوامع بشری در مرکز توجهات قرار داشته است و بعضاً در طول تاریخ باعث جنگها و درگیریهای قبیله ای شده است و گاهی یک خیانت یا حتی برقراری رابطه غیر قانونی باعث ریخته شدن خونهای بسیاری شده است، لذا غالب ادیان و بعدها پس از تدوین قوانین برای حیات مسالمت آمیز بشری و به ویژه با رواج اصل شخصی بودن مجازاتها، در اغلب قوانین به این موضوعات پرداخته شده است و برای اجتناب از درگیریهای تعصب محور، مجازات آن به دقت بیان شده است اما منشأ اغلب مجازاتها در ادیان بیان شده و صرفاً در قانون جنبه ای اعلامی پیدا کرده است. در کشور ما نیز بخشی از جرائم جنسی که مجازات آن در منابع فقهی تعیین شده است، در کتاب حدود آمده است و برخی نیز تحت عنوان رابطه نامشروع در قسمت تعزیرات قانون مجازات اسلامی گنجانده شده است. امنیت انسان در پرتو امنیت اجتماع است، جامعه ای دارای امنیت است که انسان در آن جامعه از آسیب های اجتماعی، از تعرض به جان و مال و حیثیت و... در امان باشد.



معضل جرایم منافی عفت، اخلاق و عفت و پاک دامن‌ی را از جامعه می‌گیرد و فساد ناشی از چنین جرایمی بزرگ‌ترین آسیب را به نهاد خانواده وارد می‌کند و موجب نگرانی و ناامنی شهروندان و خانواده‌ها می‌شود، احساس ناامنی ناشی از جرایم منافی عفت موجب محدودیت شدید در فعالیت‌های اجتماعی به ویژه برای زنان است. گسترش چنین جرایمی و احتمال وقوع آن موجب کاهش امنیت انسانی از این جنبه می‌گردد. ازاین‌رو به کارگیری سیاست جنایی محکم پیشگیرانه با استفاده از نهادهای مدنی و تحقیقات جرم‌شناختی که احتمال وقوع چنین جرایمی را به حداقل درجه ممکن برساند.

بخش ششم: سیاست جنایی ایران در جرایم منافی عفت

بند اول: نقد سیاست جنایی قضایی ایران

عملکرد مراجع قضایی در برابر رفتار مجرمانه تأثیر مستقیمی بر پیشگیری خاص و عام خواهد داشت، بدون شک اجرای قانون از حیث حتمیت می‌تواند مرتکب را از تکرار جرم بازداشته، دیگران را از ارتکاب چنین جرمی برحذر دارد، بالعکس دامنه گسترده اختیارات قضات در تخفیف و تبدیل مجازات (بدون حد و حدود قانونی و منطبق بر موازین علمی) یکی از اهداف مجازات یعنی حتمیت آن را متزلزل می‌سازد، در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در تشریح و ظایف دستگاه قضایی اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را یکی از وظایف عمده قوه قضائیه تلقی نموده است و از این جهت پاسخ‌های غیرکیفری و پیشگیری در این فصل بعنوان مقوله از سیاست جنایی قضایی گنجانده شده است. در نهایت می‌توان گفت برای حرکت به سوی یک سیاست جنایی قضایی منسجم، مدون و مقتدر می‌بایستی به اصلاح قوانین از طریق مراجع قضایی در قالب کمیسیون‌های خاص و تخصصی و استفاده از ظرفیت‌های موجود و نظریات حقوقدانان و قضات جهت عینیت بخشیدن هرچه بیشتر قوانین و مطابقت با نیازهای روز جامعه همت گماشت. بدون شک صراحت و جامعیت و مانعیت قوانین و برگزاری نشست‌های قضایی جهت وحدت بخشیدن به عملکرد دادرها و دادگاه‌ها در موضوعات خاص و ارجاع پرونده‌ها به صورت تخصصی و شعب مراجع قضایی می‌تواند در رسیدن به مطلوب مؤثر باشد.



بند دوم: مبانی جرم‌انگاری و سزادهی در سیاست جنایی حکومت جمهوری اسلامی ایران

آنچه از مطالعه‌ی مختصات حکومت جمهوری اسلامی ایران و سیاست جنایی این حکومت در باب مبانی جرم‌انگاری حاصل می‌گردد به شرح ذیل خواهد بود:

الف) جرم‌انگاری در سیاست جنایی این حکومت باید حتماً متکی به قوانینی باشد که در راستای تأمین مصلحت‌های افراد جامعه از جمله تضمین آزادی‌ها و برابری‌های اشخاص توسط نمایندگان جامعه تصویب شده است.

ب) سزادهی در این حکومت همواره باید باهدف تضمین حداکثری آزادی‌ها و برابری‌های اشخاص در عرصه‌های مختلف صورت بگیرد؛ در غیر این صورت سزادهی از معیارها و موازین اصلی خود منحرف شده است.

پ) این حکومت همچنان که در راستای تحقق آمال جامعه مبنی بر مشارکت حداکثری جامعه ایجاد شده است باید به نقش حداقلی خود در عرصه‌ی پاسخ به بزه قناعت ورزد و تعیین، تفسیر و پاسخ به انحراف را به جامعه‌ی مدنی واگذارد.

با توجه به مطالب بالا به‌طور خلاصه باید گفت:

الف) سیاست جنایی با توجه به نوع حکومت چهارچوب خاص خود را خواهد داشت و نوع نگرش حکومت‌ها به مفاهیم سه‌گانه‌ی قدرت، آزادی و برابری؛ انواع مختلفی از سیاست جنایی را رقم می‌زند.

ب) جمهوری به‌عنوان نوعی از حکومت، به مبانی و اصول مختص به خود ملتزم است و گزینش این نوع از حکومت، بالضروره سیاست جنایی را در زمینه خاص خود وارد می‌نماید. بااین‌وجود، تحقق کامل دموکراسی با جمهوری بودن حکومت ملازمه ندارد و ممکن است حکومتی جمهوری باشد، اما واجد شکل پیشرفته‌ای از دموکراسی نباشد.

ج) حکومت ایران وفق اساسنامه‌اش، به مبانی جمهوریت پایبند است و وصف اسلامی داشتن حکومت ایران، از دیدگاه قانون اساسی در تعارض با اصول جمهوریت و دموکراسی نیست.

د) سیاست جنایی حکومت ایران به دلیل قبول و التزام به مبنای جمهوریت در عرصه‌ی تئوری، بالضروره، اصولی حاکم خواهد بود که ضرورتاً موجب می‌شود؛



سیاست جنایی این حکومت، از نوع مردم‌سالار باشد و اتخاذ سیاست جنایی از نوع اقتدارگرا از سوی این حکومت پذیرفته نیست. همچنین در عرصه تئوری، وصف اسلامی حکومت، در مسیر تحقق سیاست جنایی مردم‌سالار، خدشه و مانعی را ایجاد نمی‌نماید.

ه) در نتیجه التزام به سیاست جمهوریت و اسلامیت نظام سیاسی، توسل به سیاست جنایی و به‌ویژه سیاست کیفری باید با رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد جامعه و به‌عنوان آخرین و ناگزیرترین وسیله‌ی مدیریت و کنترل اجتماعی صورت گیرد.

ی) اقتضای جمهوریت و اسلامیت به‌عنوان مؤلفه‌های تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی در قلمرو سیاست جنایی آن است که در قلمرو جرم‌انگاری و کیفرگذاری، ضمن ضرورت احترام حداکثری به آزادی و کرامت انسانی آحاد شهروندان، توسل به پاسخ‌های ادغام‌کننده بر پاسخ‌های حذف و طردکننده نسبت به شهروندانی که مرتکب بزه شده‌اند، اولویت داشته باشد

بخش هفتم: سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم منافی عفت

افراد هر جامعه دارای حقوقی هستند که هیچ کس حق ندارد به آن تجاوز کند و به آن صدمه و خدشه ای وارد کند. این موضوع دامنه گسترده ای دارد و از برداشتن بی اجازه وسایل دیگران شامل می شود که خدشه به حق مالکیت افراد است و تا تجاوز به جسم آنها را در بر می گیرد. کسی که به بدن دیگری تجاوز کند، مجرم است و با توجه به میزان آسیبی که به بدن دیگری وارد کرده است، مجازات انتظارش را می کشد. قانونگذاران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ارتباط با مسائل اخلاقی و عفت عمومی و استفاده از اهرم‌های کیفری در جهت حفظ موازین اخلاقی و جنسی در جامعه و لحاظ واقعیات موجود، مواضع مختلفی را اتخاذ نموده اند. در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ قانونگذار عنوان جرم «زنا» را به کار برده و برای آن در کنار «لواط» به عنوان جرایمی که در رأس جرایم منافی عفت قرار می گرفتند، حسب مورد مجازات‌های شرعی یا عرفی منظور نمود. اما طی اصلاحاتی که در تاریخ ۱۳۱۲/۶/۲۹ در مواد مربوط به اعمال منافی عفت به عمل آمد، عنوان «زنا» از قوانین موضوعه حذف عناوین دیگری از قبیل



هتک ناموس به عنف، رابطه نامشروع و ازاله بکارت جایگزین آن شد. همان گونه که از واژه «هتک ناموس» برمی آید در این جرم، تجاوز جنسی علیرغم میل و اراده مجنی علیه مدّ نظر قانونگذار بوده است و همچنین لواط با رضایت طرفین- حتی بالغ- قابل کیفر شناخته شده بود؛ اما رابطه بین دو جنس مخالف غیرمتأهل مشروط به اینکه زن به سن بلوغ رسیده، باکره نبوده و عنف و تهدیدی هم در میان نباشد و این کار نیز در ملاء عام صورت نگرفته باشد، مشمول عناوین مجرمانه قرار نمی گرفت و برای آن مجازاتی تعیین نشده بود. به هر حال تدوین کنندگان قانون مجازات عمومی در فصل پنجم این قانون، مقررات کیفری خاصی را تحت عنوان «در جنبه ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی» طی مواد ۲۰۷ الی ۲۱۵، برای مبارزه با فساد اخلاقی و هتک عفت عمومی پیش بینی کردند که تا زمان به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در محاکم کیفری لازم الاجرا بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانین موضوعه جزای عنوان «زنا» و مباحث تابع آن مجدداً وارد شدند. مضافاً اینکه اعمال دیگری همچون مساحقه و لواط (اعم از ایقاب و تفخیز) نیز موضوع حکم کیفری قرار گرفتند. همچنین اعمال منافی عفت غیر از زنا مانند «تقبیل» و «مضاجعه» و اعمال منافی عفت علنی (همچون خود نمایی و مالش گری جنسی) و تظاهر به فعل حرام (مثل مبدل پوشی) به موجب قانون جرم محسوب شده و قابل مجازات شناخته شدند. اما نکته مهم این است که در قوانین کیفری بعد از انقلاب اسلامی، در تمام جرایم منافی عفت و اخلاق، رضایت و تمکین به ارتکاب جرم از فاعل رفع تقصیر نمی کند. به این ترتیب در جرایمی مانند زنا و لواط، رضایت طرفین نه تنها شرط نیست و از تقصیر آنها نمی کاهد، بلکه مجازات های فاعلان جرم به این دلیل است که با رضایت خود به این عمل تن در داده اند؛ زیرا اگر دلیلی بر کراهت یا مخالفت مجنی علیه به ارتکاب عمل به دست آید، او معاف از مجازات خواهد بود. در واقع، جرم عملی مخلّ نظم اجتماعی است و غرض از تأسیس مجازات بیش از هر چیز حفظ نظم و دفاع از منافع عمومی جامعه است. بنابراین، چون متضرر اصلی از وقوع جرم جامعه بوده و حق مجازات از حق عمومی است، رضایت مجنی علیه رافع تقصیر مرتکب نیست و نمی توان آن را دلیل اباحه عمل و مانع از اجرای مجازات به شمار آورد. قانون



گذاران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ارتباط با مسایل جنسی و اخلاقی و استفاده اهرم های کیفری در جهت حفظ موازین اخلاقی و جنسی در جامعه، مواضع مختلفی را اتخاذ نموده اند در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، قانونگذار عنوان جرم زنا را به کار برده و در کنار لواط، مجازاتی قرار داده است. طی اصلاحات سال ۱۳۱۲، عنوان «زنا» مجدداً وارد قوانین موضوعه شد. علاوه بر این جرایم دیگری نیز مانند مساحقه، تفخیز، لواط و... دیده می شد. بر این اساس مباحث مربوط به اعمال و جرایم جنسی را در دو قسمت جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد:

الف. جرایم جنسی مستوجب حد ب. جرایم جنسی مستوجب تعزیر

سیاست جنایی قضایی، رویه قضایی و تصمیمات و احکام دادگاه ها است. یکی از اصل های پذیرفته شده در آیین دادرسی، اصل استقلال قضات است، از این رو مجازات های تعیین شده در قوانین کیفری به طور یکسان در آرای دادگاه ها مشاهده نمی شود. استنباط قضات یکسان نیست و با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده و استنباط قضایی، آرای متفاوتی مشاهده می شود و در نتیجه سیاست جنایی قضایی از سیاست تقنینی فاصله دار می شود. در یک نظام سیاسی سازمان یافته و مقتدر و مردمی، تعقیب، محاکمه و محکومیت و مجازات بزهکاران توسط نهادی از حاکمیت که همان قوه قضائیه است با رعایت اصول دادرسی صورت میگیرد. سیاست جنایی قضایی می تواند متأثر از رویه قضایی، بخشنامه ها، دستورالعمل ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد. سیاست جنایی قضایی در واقع دریافت و تعبیری است که مجریان و سران سیاست جنایی قضایی از قانون گذار کیفری دریافت می کنند. پس سیاست جنایی قضایی نتیجه کار قوه قضائیه در حوزه عملکرد، رویه قضایی و احکام صادره از دادگاه ها است. از سویی با توجه به استقلال قضات در تصمیم گیری و تفاوت آرای قضات درباره یک حکم، سیاست تقنینی به شکل واحد در آرای قضایی آشکار نمی شود و از سیاست تقنینی دور می شود. می توان گفت سیاست جنایی قضایی با واقع بینی بیشتر و توجه به واقعیت های اجتماعی اقدام به صدور حکم می نمایند. در جریان بررسی پرونده و صدور حکم مسائل مربوط به تشدید و تخفیف و تعلیق مجازات و تعویق



صدور حکم دارای اهمیت است. (جعفری، افشین و همکران، ۱۳۹۹: ۹).

ب) سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری سیاست جنایی مشارکتی به دو گونه کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا غیرفعال) تقسیم می شود. هدف اصلی سیاست جنایی کنشی یا اولیه، پیش گیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیش گیری اجتماعی نیز گفته می شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرم است. هدف سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرآیند کیفری، پس از وقوع جرم است. در این رویکرد تنها مرجع پاسخگویی، نهاد عدالت کیفری نیست بلکه از نهادهای مردمی و جامعه در این زمینه کمک گرفته می شود (شیعه علی و زارع، ۱۳۹۴: ۲۸۷). اما سیاست جنایی مشارکتی در زمینه جرایم منافی عفت به هر دو صورت در جامعه جریان دارد.

با توجه به اینکه طبق بند ت ماده یک، قلمرو میانجی گری محدود به جرایم تعزیری درجه شش و هفت و هشت است که مجازات آن ها قابل تعلیق است. اما چون مطابق ماده ۴۷ ق.م.ا جرایم منافی عفت از جرایم قابل تعلیق نیستند، میانجیگری در چنین جرایمی قابل اجرا نیست. از آنجاکه جرایم منافی عفت با مسائل حیثیتی روبه رو است و حفظ حیثیت و عزت و آبروی بزه دیده و حتی بزهکار در اولویت است. از نظر اجتماعی حمایت معنوی و روان شناسی از کسانی که در معرض چنین جرایمی قرار گرفته اند و ارائه خدمات از سوی سازمان های حمایتی مانند بهزیستی و گسترش فرهنگ حمایت و همدردی با چنین اشخاصی همگی در راستای سیاست جنایی مشارکتی منفعل است. (همان منبع).

بخش هشتم: قواعد و اصول آیین دادرسی در رابطه با جرایم منافی عفت

همان گونه که می دانیم، کشف جرم، اولین مرحله از مراحل پنج گانه آیین دادرسی کیفری است (آخوندی: ۱۳۹۱، ج ۴، ۳۸). با کشف جرم است که زمینه برای مراحل دیگر رسیدگی کیفری فراهم می آید. بنابراین سعی و گرایش در جهت کشف جرم و تحت تعقیب قرار دادن مجرم به منظور مقابله با بزهکاری اولین مرحله با اهمیتی است که ابراز تأمین عدالت کیفری را منجر می گردد. لکن در



حقوق جزای اسلام، در این مرحله صورتهای مختلفی در جهت نهان سازی زشتی-ها و لغزش‌ها از طریق تشریع ممنوعیت تجسس و تخصص و اعمال اصل صحت در جرایم ناشی از اعمال منافی عفت مقرر گردیده است. کشف و آشکار شدن جرایم ناشی از اعمال منافی عفت غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است که این امر موجب این می شود که مردم نسبت به این جرایم حساسیت خود را از دست دهند، بنابراین شیوع و بازگو کردن منکرات به کاهش زشتی جرم و کوچک شماری بزه که غیرقابل اغماض است منجر می گردد. در این راستا تدابیر تشریعی که بیان گردید به منظور جلوگیری از این آثار مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است، در واقع در سیاست جنایی اسلام اقدامات مردم و مقامات قضایی در تعقیب و اشاعه عیوب و افشای لغزش‌ها مورد تمایل و خواست شارع مقدس می باشد. با توجه به این امر قسمت اول به بررسی اصل صحت و تأثیر آن بر جریان کشف اعمال منافی عفت اختصاص یافته و سپس ممنوعیت تجسس و تأثیر آن در این مرحله را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

بخش نهم: سیاست حاکم بر نحوه اثبات اعمال منافی عفت در قوانین کیفری ایران

یکی از بارزترین ویژگی جرایم منافی عفت راه ها و ادله اثبات این جرایم است. چرا که قانونگذار ایران به تبع از کتب فقهی، اصول مسلم اثبات دعوی کیفری را رها کرده و برای اثبات جرایم منافی عفت استثناء قائل شده است. اصل قانونی بودن دلایل از جمله اصول اساسی آئین دادرسی کیفری در سیستم کشورهای حقوق نوشته از جمله حقوق ایران است. در قانون مجازات اسلامی برای اثبات بعضی از جرائم منافی عفت، به وجود دلایل خاص قانونی منوط شده است. چنانچه آن دلایل قانونی خاص وجود نداشته باشد، عمل منافی عفت ارتكابی قابل اثبات نخواهد بود. وجود این روش سبب می شود تا در بسیاری از موارد بزه ارتكابی قابل اثبات نباشد، زیرا تحصیل دلایل مورد نظر قانونگذار یا به سهولت امکان نمی یابد یا اساساً امکان پذیر نیست. در نتیجه حقوق قربانیان جرم و شکات خصوصی در جرائم منافی عفت تضییع می گردد و جامعه نیز در معرض ارتكاب جرائم مهم منکراتی قرار می گیرد. (آخوندی، محمود، ۱۳۸۲).



قانون به منظور تضمین صحت کسب دلیل به عرضه خط مشی لازم می پردازد. لذا علاوه بر قانونی بودن دلایل کسب دلیل نیز باید از راه قانونی باشد. به همین جهت در قانون اساسی نیز اخذ اقرار به عنف و شکنجه محکوم به بی اعتباری است. و در ماده ۵۷۸ ق.م.ا نیز ضمانت اجرای آن بیان شده است. هم چنین برابر اصل ۲۲ قانون اساسی، اهمیت حرمت منزل و مسکن اشخاص به قدری است که هتک آن می تواند موجب بی اعتباری دلایلی گردد. که از طریق آن تحصیل می شود به همین جهت دادگاه «کلمار» شهادت یک پلیس مخفی را که از میان شکاف پنجره کرکره اطاق، عمل خلاف زنی را مشاهده کرده بود رد کرد. و این طریقه تحصیل دلیل را غیرقانونی اعلام نمود. (گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۶، ص ۲۸۳). در حقوق موضوعی ایران، قانون مبتنی بر حقوق اسلام در جرایم مستوجب حدود و قصاص سیستم دلایل قانونی حاکم است و این سیستم قواعد ثابتی را مقرر می دارد. و به قاضی نشان می دهد که حکم جزائی را براساس کدام نسخ از دلایل استوار نماید و بردلایلی که مبنای حکم است چه شرایطی را باز نماید. بنابراین در مورد جرایم مستوجب حد، الزاماً دلایل قانونی مطرح هستند. دادگاه فقط در جلسه محاکمه و به موجب دلایل قانونی معینی که با رعایت موازین قانونی تحصیل گردیده اند می تواند به اتخاذ تصمیم مبادرت نماید با این لحاظ دادگاه باید مثلاً براساس اعتقاد و اطمینان به ادای شهادت اقامه شن متهم را محکوم کند و با فقدان دلایل، مبادرت به اعلام رای برائت نماید. بنابراین جرایم منافی عفت از سیستم دلایل قانونی متابعت می کند. و راه های اثبات جرمی مثل زنا منحصرأ اقرار و شهادت ذکر شده و ماده ۱۰۵ ق.م.ا به قاضی دادگاه اجازه می دهد که به علم خود در حق الله و حق الناس عمل کند و حد الهی را جاری نماید ولی لازم است مستند علم را ذکر کند در واقع برای اثبات هر جرمی که در آن به علم قاضی تصریح شده است. علم قاضی خلیتی ندارد. (همان منبع، ص ۳۲۳). گرچه در خصوص اعتبار علم قاضی برای اثبات جرم در شریعت اسلام بین فقها اختلاف وجود دارد و چه بسا اکثر فقها قائل به اعتبار علم قاضی در خصوص مورد باشند، ولی نظر به اینکه قانونگذار ادله اثبات جرم زنا را در فصل دوم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان "راه های ثبوت زنا در دادگاه" شمارش کرده است و



اشاره ای به "علم قاضی" نمی نماید و نیز با توجه به ماده ۹۹ همان قانون که در مقام بیان "اولین زننده سنگ" فقط به اقرار و شهادت اشاره می نماید و نیز ماده ۱۲۳ قانون فوق که در مقام بیان "باز گرداندن یا باز نگرداندن زانی پس از فرار از گودال"، فقط متعرض اقرار و شهادت گردیده، اشاره ای به "علم قاضی" نمی نماید، تردیدی باقی نمی ماند که در حقوق موضوعه ایران، زنا با علم قاضی قابل اثبات نیست. در نتیجه، مفاد ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی (که اجازه داده است قاضی چه در حق الله و چه در حق الناس به علم خود مراجعه کند) را فقط می توانیم در مواردی جاری کنیم که قانونگذار به ادله اثبات جرم نپرداخته است، مانند جرایم مشمول تعزیرات و بازدارنده. (کلانتری، کیومرث، ۱۳۸۶: ۲۲). به فرض محال که زنا با علم قابل اثبات باشد، با عنایت به وحدت ملاک ماده ۱۲۰ باید متعارف باشد و این حق را باید به حاکم شرع داد که مجتهد است و نه قاضی منصوب که فاقد درجه اجتهاد است. این تفسیر با عنایت به مجازات بسیار سنگین زنا محصنه (رجم) و حاکمیت قاعده "تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم" در حقوق موضوعه ایران و نیز "قاعده در آ" در شریعت اسلام و سیاست "بزه پوشی" در حقوق کیفری اسلام مطلوب و پسندیده است (شهیدثانی، ۱۲۶۸ ه.ق: ۱۴۳۱ و ترمذی، بی تا: حدیث ۱۴۴). لذا اثبات جرم زنا مستلزم جمع شرایطی است که با راه های ثبوت معین و غیرقابل تغییر قلمرو اجرایی آن عملاً محدود گردیده و در نتیجه احراز چنین جرایمی با اشکال مواجه است. شک و تردید به نفع متهم بوده و موجب صدور حکم برائت می شود. باید خاطر نشان نمود که به همان اندازه که شرع مقدس اسلام مجازات زانی و زانیه را تحت مقرر فرموده به همان اندازه جهت اثبات آن وجود دلائل کافی و قانع کننده ای را لازم دانسته است. نحوه اثبات جرم زنا دارای آن چنان اهمیتی است که حتی برحسب نوع و روش اثبات میزان مجازات زانی یا زانیه نیز تغییر پیدا می کند. براین اساس بررسی دلایل اثبات جرم ضروری به نظر می رسد قانون گذار اسلامی در راستای مخفی داشتن و عدم افشاء و پوشیده نگاه داشتن زشتی ها و لغزش ها و اعمال منافی عفت افراد علاوه بر تدابیری که در قسمت قبل با رویکرد فوق در خصوص کشف و شروع رسیدگی به این اعمال پیش بینی کرده است. بر مشارکت و همراهی مردم و بزهکار نیز در این



راه تأکید کرده است. توجه به تأکید احکام و آموزه های شرعی مبنی بر ستر و پوشیدن جرایم ناشی از اعمال منافی عفت مقررات مربوط به آیین دادرسی بخشی مخصوص ادله اثباتی این جرایم را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع کیفیت جمع آوری دلایل به عنوان وسایلی که قانوناً بتوانند وجود یا عدم وجود یک واقعه و صحت یا عدم صحت یک موضوع را مورد تأیید قرار دهند. از مهم ترین مسائل آیین دادرسی در اکثر نظام های حقوقی دنیا و از جمله قوانین کیفری ایران می باشد و هیچگاه بدون وجود دلیل نمی توان انتساب اتهام را احراز کرد و در نتیجه به اعمال مجازات پرداخت. در ابتدا در بررسی متون شرعی و همچنین قوانین موضوعه برای اثبات جرایم ناشی از اعمال منافی عفت ملاحظه می شود که در موارد مذکور، آزادی قاضی در تحصیل دلیل محدود گشته و فقط در صورت ارائه دلیل معتبر و منصوص از سوی شارع و قانون گذار و رعایت شرایط پیش بینی شده از سوی اوست که می تواند خاطی به مجازات مرتکبین مبادرت ورزد. ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ اشعار می دارد «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می شود.

بخش دهم: سیاست جنایی ترکیه در جرایم منافی عفت

بند اول: جرایم جنسی در ترکیه

موضوع جنسی حتی در فرهنگ مدرن ترکیه ممنوع است، زیرا این کشور در این زمینه بسیار محافظه کار است. علی رغم اینکه مردم درمورد سکس در ملاء عام صحبت نمی کنند، روسپی گری در اینجا قانونی است و اگرچه خانواده و ازدواج بسیار مهم است، اما برخی از افراد متاهل در فاحشه خانه ها رابطه جنسی دارند. تضاد مفهوم اسلامی حرام، که زنان را از نمایش عمومی بدن خود منع می کند و رقص شکم که برای فرهنگ مهم است، کاملاً مشهود است. نگرش ترکیه نسبت به رابطه جنسی می تواند بین شرق و غرب تقسیم شود، شهرهایی مانند استانبول در اروپا، در تضاد کامل با آدانا و گازینتپ، که از سوریه با شرق هم مرز هستند. اولی



دارای نگرشی بسیار جهانی، مدرن و غربی است، در حالی که دومی مناطق بسیار محافظه کارانه ای در کشور هستند. با وجود این، حضور ارزشهای افراطی گرایانه هنگامی شروع می شود که در سیاست ترکیه تأثیر بگذارد وقتی دولت فعلی مناطقی را باز می کند که قبلاً روسپیگری کرده اند. آموزش جنسی عملاً وجود ندارد و یا در برنامه ملی یا در دانشگاه ها درج نمی شود. حتی افرادی که مباحثی مانند روانشناسی را مطالعه می کنند، اطلاعات کمی برای آموزش در اختیار آنها قرار می دهند. والدین همچنین در مورد رابطه جنسی به ندرت آموزش ارائه می دهند و نوجوانان کنجکاو فاقد دانش عملی درباره سلامت جنسی، روابط و تنوع هستند. مردانی که از روسپی ها بازدید می کنند، غالباً نسبت به رابطه جنسی بسیار ساده لوح هستند. طرفداران یک سیستم لیبرال تر معتقدند که ترکیه باید یک رویکرد جامع را که شامل تحولات فرهنگی است، اتخاذ کند. با این وجود مخالفت شدیدی با چنین نظامی وجود دارد و دولت محافظه کار (حزب عدالت و توسعه) هیچ تغییری در این زمینه ایجاد نکرده است. در نتیجه آموزش جنسی ضعیف، جمعیت اطلاعات بسیار کمی در مورد رابطه جنسی ایمن دارند. به استثنای بیماریهای گزارش شده، مانند HIV / AIDS و سفلیس، میزان STI در ترکیه تا حد زیادی ناشناخته است. با این حال، سیفیلیس با افزایش ۴۶۵٪ در موارد ایدز طی یک دهه گذشته رو به رشد است. یک گزارش بی بی سی می گوید که در این کشور همجنسگرا، افراد جنسی همجنسگرا و همجنسگرا به عنوان روسپی کار می کنند (البته غیرقانونی).

در سال ۲۰۰۱ یعنی هنگامی که قانون مدنی ترکیه به منظور اعطای برابری کامل به زنان و مردان اصلاح شد که عمدتاً در نتیجه تلاش های مداوم و مبارزات قدرتمندانه ی جنبش زنان در ترکیه بود، گامی مثبت در جهت ایجاد برابری جنسیتی در حوزه ی حقوقی در این کشور برداشته شد. در پی اصلاح قانون مدنی، در سال ۲۰۰۲، یک کارگروه اصلاح قانون جزایی تشکیل شد. کارگروه زنان در مورد اصلاح قانون جزایی از منظر جنسیتی شامل فعالان، حقوقدانان و دانشگاهیان از سازمان های غیردولتی و کانون های وکلای بانوان بود. این گروه پس از تحلیل قانون جزای ترکیه و پیش نویس قانون جزایی، گزارش توصیه های مفصلی تهیه کرد



تا خواسته های زنان را بیان کرده و به طور مشخص تغییرات لازم را برای تضمین برابری جنسیتی در قانون مجازات ارائه دهند. پس از انتشار این گزارش، در سال ۲۰۰۳ یک کمپین عمومی برای برقراری برابری جنسیتی در روند اصلاح قانون جزایی ترکیه به راه افتاد. در پیش نویس قانون جزایی ترکیه (۲۰۰۲) جرایم جنسی به جای آنکه به عنوان "جرایم علیه افراد" در نظر گرفته شوند، تحت عنوان "جنايات عليه جامعه" در نظر گرفته شدند. هم قانون جزایی فعلی ترکیه و هم پیش نویس قانون، جرایم جنسی را تحت عنوان "جنايات عليه جامعه" طبقه بندی می کنند. در پیش نویس قانون، بندهای مربوط به جرائم جنسی (بندهای ۳۱۵-۳۲۹) در ذیل عنوان "جنايات عليه تمامیت جنسی و سنت های اخلاقی" ذکر شده اند.

این طبقه بندی منعکس کننده رویکرد کلی تبعیض آمیز و منسوخ شده ی پیش نویس قانون مجازات کیفری است. قرار دادن جرایم علیه تمامیت جنسی و جسمی در ذیل جنايات عليه جامعه دلالت بر این دارد که بدن و جنسیت زنان متعلق به خودشان نیست، بلکه به سازه های جامعه و خانواده ی پدرسالار تعلق دارد. این آشکارا حق یک شخص برای کنترل بر بدن و جنسیت خود را سلب می کند و با این واقعیت مخالف است که هر نوع جرم جنسی در درجه اول حمله به یک فرد و به یک انسان است. کنگره ی بین المللی حقوق جزا در آگوست ۱۹۶۴ اعلام کرده است که طرف اصلی جرم در جنايات جنسی، "شخص" است و از آن زمان بسیاری از کشورها در سراسر جهان، آیین نامه های کیفری خود را اصلاح کرده اند تا جرایم جنسی را تحت عنوان "جرایم علیه افراد" طبقه بندی کنند. تأکید بر سنت ها، اخلاق و عفاف در عنوان این بخش، بر این تصور صحنه می گذارد که بدن و جنسیت زنان باید کنترل شود و به عنوان کالای جامعه، خانواده یا مردان در نظر گرفته شود. ارائه این ارزشهای ذهنی به عنوان معیاری برای قانونگذاری نه تنها در دستکاری قانون به عنوان ابزاری برای نقض حقوق بشر زنان عمل می کند بلکه هدف از اختیارات قانونی در یک دولت اجتماعی را نیز تضعیف می کند.

پیش نویس قانون "قتل های ناموسی" را قانونی می داند و اقدامات پیشگیرانه ی



را برای ریشه کن کردن این جنایات خشونت‌آمیز انجام نمی‌دهد. جنایات رابطه‌ی جنسی اجباری و تجاوز جنسی در پیش نویس قانون سهوا نامگذاری و تعریف شده‌اند که دلالت بر این دارد که این جرائم نقض "آبرو" و "عفاف" هستند، نه تمامیت جنسی و بدن. پیش نویس قانون جزایی، تجاوز جنسی یا همان رابطه‌ی جنسی اجباری زناشویی را مجاز می‌داند. پیش نویس این قانون در توجیه ماده ۳۱۵ بیان می‌کند که تجاوز زناشویی به معنای تجاوز جنسی نیست. تجاوز زناشویی به وضوح نقض جدی حقوق بشر است. با تصدیق جرم ندانستن تجاوز زناشویی، قانون جزایی راه را برای تداوم این جنایت هموار می‌کند و تمامیت جنسی و جسمی زنان متاهل را کاملاً تضعیف می‌کند. این پیش نویس قانون بین زنان متاهل و مجرد، زنان باکره و غیر باکره فرق می‌گذارد (Liz, ۲۰۰۳). طبق قوانین جاری ترکیه، که به قوانین مربوط به رابطه جنسی با فرد صغیر در بسیاری از کشورها بی‌شبهت نیست، ارتباط جنسی با افراد زیر سن قانونی ولو به عنف هم صورت نگرفته باشد، تجاوز جنسی محسوب می‌شود. در ترکیه سن قانونی برقراری رابطه جنسی هجده سال است اما دادگاه می‌تواند اجازه ازدواج در سنین پایین‌تر را صادر کند. پیگرد مرتکبین ارتباط جنسی با افراد پانزده سال تا هجده سال هم مستلزم وجود شاکی خصوصی است. علاوه بر این، عادات فرهنگی موجود باعث می‌شود تا بخش‌های سنتگرا و مذهبی جامعه ترکیه که به ازدواج در سنین پایین‌تر معتقدند، به شیوه‌های مختلف سن قانونی ازدواج را نادیده بگیرند. در فرهنگ سنتی ترکیه، مناسبات مربوط به زنان اینگونه است که در آن قتل‌های ناموسی به عنوان یک پاسخ قابل قبول و مناسب برای آن دسته از اقدامات زنان که از نظر جنسی غیراخلاقی تلقی می‌شوند، به حساب می‌آید و از طرف دیگر اگرچه قانون ترکیه در ظاهر به زنان برابری قانونی اعطا می‌کند، اما در صورتی که قضات تشخیص دهند جنایتی که علیه زنان صورت گرفته مربوط به ناموس بوده است، مجازات مرتکبان چنین جرایمی به شدت کاهش می‌یابد و به آن‌ها تخفیف داده می‌شود. در همین راستا در طی چندین سال اخیر، سیاست‌های کشور ترکیه در خصوص موضوعاتی نظیر قتل‌های ناموسی و جرایم منافی عفت در این کشور توجه زیادی را از سوی سازمان‌های حقوق بشر دریافت کرده‌اند



(روبین ۲۰۱۰: ۲۰۱). در سالیان اخیر، همچنین نظام قضایی ترکیه، در تلاش برای محافظت از سلامت بدنی و حقوق بشر زنان، تجاوزهای زناشویی را جرم تلقی کرده است. معاینات مربوط به بکارت بدون رضایت زنان ممنوع شده اند و تنها با صلاحدید دادگاه در جهت تحقیقات جنایی مجاز هستند (آکار و آلتوناک ۲۰۱۳: ۲). به بیانی دیگر، اگرچه دولت ترکیه برخی اصلاحات قانونی را با هدف از بین بردن تعصبات ناموسی تصویب کرده است، اما نظام اجتماعی عمیقاً مردسالار قوانین جدید را بی اثر کرده است. ماده ۱۰۲ به بعد قانون مجازات ترکیه به صورت کلی هر گونه تجاوز جنسی از اعم از لواط و زنا را مستوجب مجازات حبس از هفت تا ده سال می داند. بر اساس این ماده در صورتی که لواط با شی خارجی باشد مجازات حبس به ۱۲ سال افزایش می یابد. استثناء دیگری که بر این ماده وارد است اینکه بر اساس بند ۶ ماده اخیر الذکر و بند ۷ ماده ۹۶ (در خصوص لواط با کودک) اگر تجاوز منجر به فوت مجنی علیه گردد مجازات جانی حبس ابد است.

بند دوم: مجازات تعزیری و انواع آن در قوانین ترکیه

در حقوق قدیم، مجازات هر جرم تعزیری جدا جدا مشخص نشده بود، بلکه این امر در طول زمان به نهاد قانونگذار واگذار شده بود (اولوالامر) اما واگذاری تعزیرات به اولوالامر یا قاضی مطلق نبود، به طوری که اصول اجرای احکام و حدود (حداقل و حداکثر) مجازات تعزیری مهم در منابع عمده دیده می شود که در ذیل به ذکر برخی از آنها اشاره می شود: (آک گوندوزی: ۱۳۸۹: ۱۲).

۱- مجازات اعدام

قاعده اصلی در مجازات تعزیری، عدم تجاوز آنها از ۳۹ ضربه تازیانه و مرگ آور نبودن است. اما گروه زیادی از حقوقدانان، مجازات اعدام را پذیرفته اند. اعدام برادر شاه یا برخی از دولتمردان عثمانی، از باب تعزیر نبود، بلکه به عنوان بغی در قلمرو حدود قرار می گرفت. اما در حقوق عثمانی، مجازات اعدام را در مورد جرایمی چون سرقت مکرر و لواط می بینیم. در حقوق مذکور اعدام به طریق



آویختن به دار یا قتل به وسیله شمشیر اجرا می شد. و منبع مشروعیت هر دو روش، عمل حضرت پیامبر(ص) بوده است. در حقوق جدید ترکیه مجازات اعدام با گلوله تفنگ صورت می گیرد و از روش های سنتی گذشته (دار و شمشیر) اجتناب می شود. ضمن اینکه در موارد محدودی از مجازات اعدام استفاده می شود. (مواد ۱۱ و ۱۲ و ۴۵۰ قانون جزای ترکیه)

۲- مجازات شلاق

در حقوق قدیم (عثمانی) در رأس کیفرهای اصلی بوده است. علاوه بر حقوق عثمانی، در کل تاریخ ترک نیز مجازات مذکور اعمال می شده است. کمترین آن سه ضربه تازیانه و حداکثر آن ۳۹ ضربه شلاق بود. مثلاً چنانچه اسب یا قاطر کسی به مزرعه دیگری زیان وارد می کرد، مجازات صاحب آن پنج ضربه شلاق بود. در حقوق جزای کنونی ترکیه از مجازات شلاق استفاده نمی شود. حبس جایگزین بسیاری از مجازات رایج در دوره عثمانی شده است.

۳- مجازات حبس

در حقوق عثمانی دو نوع مجازات حبس دیده می شود: یکی، حبس مدت دار است که حداقل آن یک روز است. مدت بیشتر مجازات ها توسط اولوالامر تعیین می شود. دوم، حبسی است که مدت آن مشخص نیست از قبیل تکرار جرایم عمده به صورت عادت مانند سرقت که تا زمان توبه تداوم پیدا می کند. به عبارت دیگر، مدت این گونه جرایم از پیش مشخص نشده است. قوانین دوره بعد از تنظیمات، مجازات حبس را به صورت مدت دار درآورده اند. حقوق جدید ترکیه نیز رویه دوران بعد از تنظیمات را پذیرفته است و مدت حبس را در جرایم به صورت حداقل و حداکثر مشخص کرده است (آک گوندوزی: ۱۳۸۹: ۱۵).

بخش یازدهم: قانون کیفری ترکیه

برخلاف سایر خشونت ها که علیه یک شخص هستند و با عنوان "جنایت علیه افراد" تعریف می شوند، قانون کیفری ترکیه، خشونت جنسی علیه زنان را "جنایت علیه نجابت عمومی و نظم خانوادگی" تعریف می کند، که مبتنی بر مفهوم "ناموس" است. ماده های ۴۱۴-۴۲۴ قانون کیفری ترکیه با جرایم تجاوز جنسی تحت عنوان "جنایت بر علیه عزت عمومی و نظم خانواده" سروکار دارد. عنوان این



بخش از قانون کیفری نشان می‌دهد که رویکرد مقامات دولتی برای تحقیقات و پیگرد قانونی خشونت جنسی بر نقض تمامیت جسمی و روانی قربانی تأکید نمی‌کند، بلکه بیشتر بر ضرری که به خانواده و جامعه وارد شده، تأکید دارد.

ماده ۱۰۲ قانون کیفری ترکیه بیان می‌دارد که: فردیکه به تجاوز به مصونیت جنسی مبادرت می‌ورزد، بنابر شکایت مجنی‌علیه به حبس از دو تا هفت سال محکوم می‌گردد. و در خصوص ارتکاب جرم از طریق داخل کردن اندام یا هر وسیله دیگر در داخل بدن، مجرم با حبس از هفت تا دوازده سال مجازات خواهد شد. و در خصوص ارتکاب این جرم علیه همسر، آغاز تعقیب قانونی و رسیدگی به آن منوط به دادخواست قانونی می‌باشد (شکر بیگی، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱۹).

همچنین در ماده ۴۱۶ مقرر شده است که مقاربت جنسی با شخص بین ۱۵ تا ۱۸ سال، حتی اگر با رضایت طرفین باشد، جرم محسوب می‌شود و مجازات حبس از شش ماه تا سه سال را به همراه دارد.

در ماده ۴۱۴ آمده است: «هرکس به فرد زیر ۱۵ سال تجاوز کند، به حداقل پنج سال حبس محکوم می‌شود.» اگر زور، خشونت، تهدید یا سوءاستفاده از خردسالان دخیل باشد، آن وقت حداقل مجازات، ۱۰ سال حبس است. مطابق ماده ۴۱۵، «کسانی که مرتکب عمل یا اقدامی علیه ناموس و عفاف یک کودک شوند که ۱۵ سالش تمام نشده، از دو تا چهار سال زندانی خواهند شد و اگر این عمل و اقدام تحت شرایطی معین اجرا شود که در بند دوم ماده فوق آمده، مدت حبس ۳ تا ۵ سال خواهد بود.»

مطابق ماده ۴۱۷، «اگر اعمال و اقدامات مندرج در مطالب فوق توسط بیش از یک شخص انجام شود یا توسط یکی از برادران، اعضای خانواده، والدین، سرپرستان، معلمان، مربیان یا خادمان یا کسانی که کودک به آن‌ها سپرده شده، انجام شود، مجازات پیش‌بینی شده توسط قانون به نصف افزایش می‌یابد.»

قانون کیفری ترکیه، تجاوز به دختر باکره در سن ۱۵ سالگی و یا بیشتر با قول ازدواج را در ذیل ماده ۴۲۳ (۱) با عنوان جرم تعریف می‌کند به شرط آن که هر کس باکرگی دختری بالای ۱۵ سال را با قول ازدواج بردارد، به حبس بین ۶ ماه تا



۲ سال محکوم خواهد شد. اگر مرد با آن زن ازدواج کند، پرونده و مجازات به تعویق می‌افتد. اما اگر زوجین در طی پنج سال طلاق بگیرند و دادرسی آغاز شود و شوهر مقصر شناخته شود، مجازات فوق‌الذکر اجرا می‌شود. این جرم فقط در صورتی قابل مجازات است که قربانی در زمان تجاوز باکره باشد.

سازمان OMCT از این واقعیت نگران است که به نظر می‌رسد جنایات جنسی مرتکب شده علیه غیر باکره‌ها جرم کمتری نسبت به جنایات انجام شده علیه باکره‌ها دارد. علاوه بر این، سازمان OMCT به شدت نگران این واقعیت است که در پرونده‌های تجاوز جنسی که مرتکب با قربانی ازدواج می‌کند، مجازاتی وجود نخواهد داشت. این ماده ممکن است باعث شود که زن برای ازدواج با متجاوز خود به منظور حفظ "ناموس" خانواده‌اش تحت فشار قرار بگیرد، در نتیجه نوعی مجازات قربانی است در حالیکه مرتکب جرم تبرئه می‌شود. در خصوص تجاوز به کودکان ماده ۱۰۳ قانون کیفری ترکیه بیان می‌دارد که: افرادی که از نظر جنسی به کودکی تجاوز می‌کند به حبس از سه تا هشت سال محکوم می‌شود.

بخش دوازدهم: اجرای مجازات تعزیری در قوانین ترکیه

در حقوق عثمانی، اجرای مجازات حد یا قصاص با نظر رییس دولت یعنی خلیفه و پادشاه موسوم به امام یا نماینده‌اش صورت می‌پذیرد. اجراتوسط مأموران ویژه آنان صورت می‌گیرد. در قوانین عثمانی صلاحیت اجرای حکم (حد یا قصاص) به صدراعظم تفویض شده است. درحالی که در مورد مجازات تعزیری مسایل ذیل قابل ذکر است:

الف) انواع مجازات تعزیری خواه از طرف اولوالامر معین شده باشند یا نه، توسط پادشاه یا نماینده مطلق او (صدراعظم) به اجرا درمی‌آید. البته مجازات کوچک از قبیل مجازات‌های مالی و انتحار توسط آمران دولتی قابل اجراست.

ب) هیچ جرمی با حکم زنان یا بدون دادنامه قابل اجرا نیست. این مورد در کلیه قوانین دوره عثمانی به طور آشکار دیده می‌شود. (۳) در کیفرهای تعزیری موارد مربوط به حق الناس (به عنوان حقوق شخص) و حق الله (به عنوان حقوق عمومی) نیز وجود دارد. تعقیبات مربوط به حق الناس با نظر صاحبان حق انجام می‌شود اما چنانچه در تعقیبات مذکور منافع عمومی وجود داشته باشد، اولوالامر



می تواند اختیار خود در مورد عفو را به اجرا درآورد. در حقوق کنونی ترکیه کلیه امور قضا در دادگستری انجام می شود. دعاوی مربوط به امور جزایی در دادگاه های کیفری مورد رسیدگی قرار می گیرد. دادگاه های کیفری نیز به دادگاه های خلاف، جنحه و جانیات تقسیم شده است. رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور انجام می گیرد. برای رسیدگی به دعاوی و اختلافات دولتمردان سیاسی دادگاه قانون اساسی صلاحیت دارد در دادگاه مذکور شعبه ای به نام "دیوان عالی" امر رسیدگی به دعاوی مذکور را عهده دار است. رسیدگی به جرایم امنیتی نیز با دادگاه امنیت کشور است.

عفو مجرمین بعد از صدور حکم فقط توسط رئیس جمهور انجام می گیرد و قاضی نمی تواند محکوم علیه را عفو نماید. اما تعلیق حکم از اختیارات رئیس محکمه صادرکننده رأی است.

در حقوق ترکیه زنان نیز همانند مردان صلاحیت قضاوت و صدور حکم را دارند، کلیه مراحل اجرایی حکم جزایی توسط دایره اجرای احکام به اجرا درمی آید. در نظام قضایی ترکیه امر تعقیب، تفتیش و بازپرسی در دادسرا انجام می گیرد و دادستانی کیفرخواست را به دادگاه می فرستد و آنگاه رئیس دادگاه اقدام به رسیدگی ماهوی می نماید. همچنین رسیدگی به امور نظامی در کلیه مراحل در دادسرا و دادگاه نظامی صورت می گیرد. حتی رسیدگی فرجامی نیز در دیوان عالی نظامی انجام می گیرد. بنابراین در حقوق جدید، محاکم به طور مستقل حق رسیدگی به کلیه امور قضایی را دارد و نیازمند دستور رئیس جمهور، نخست وزیر یا وزیران نمی باشد. (رجوع شود به: اصول ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۴ و ۱۵۶ قانون اساسی ترکیه)

نتیجه گیری

پس از تحقیق و پژوهش در جرایم منافی عفت و سیاست جنایی دو کشور ایران و ترکیه در باب این جرایم در خصوص موضوع مطروحه نتایج زیر بدست آمده است:

در نظام حقوقی و آیین کیفری ایران، مقنن در قانون تعریفی از «جرایم منافی عفت» ذکر نکرده است و حتی ضابطه و معیار خاص قانونی نیز ارائه نداده است تا



بر آن مبنا بتوان جرائم منافی عفت را شناخت. در نتیجه عناصر کلی تشکیل دهنده این نوع جرم‌ها مشخص نیست. قانونگذار به جای این که جرائم منافی عفت را تعریف نماید تا مصادیق آن معلوم شود، مصادیق را احصا کرده است تا تعریف آن مشخص گردد. این روش را تعریف به مصداق می‌نامند و آن غیر از تعریف کلی، جامع و مانع می‌باشد که مطلوب اهل علم بوده و کاربرد فراوان دارد. به علاوه احصا مقنن حصری نبوده و تمثیلی می‌باشد. روش قانونگذار سبب شده است تا در قوانین موضوعه این نوع جرم‌ها یک جا و تحت یک عنوان تدوین نگردد که با یک نگاه اجمالی بتوان آنها را تشخیص داد و کلیه مصادیق آن را شناخت. در نتیجه برای یافتن مصادیق جرائم منافی عفت، در هر مورد باید به قانون مراجعه نمود و حکم مسئله را آموخت. تعیین دقیق مصادیق جرائم منافی عفت با قاضی است. در قانون مجازات اسلامی چهار قسم مجازات ذکر شده است: ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد «مجازات های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف: حد؛ که به دو نوع مهم تقسیم جرائم منافی عفت مستلزم حد و جرائم منافی عفت مستلزم تعزیر تقسیم می‌شود؛ ب: قصاص؛ پ: دیه، ت- تعزیر

جرائم منافی عفت مستلزم حد را می‌توان به جرایم زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف تقسیم بندی نمود. پس از بررسی و مطالعه و تجزیه و تحلیل اطلاعات دست یافته در این خصوص می‌توان گفت که در کشور ایران به تمامی جرایم مذکور به شدت برخورد قانونی شده و قوانین و مقررات سخت گیرانه ای در این خصوص مدون شده است. اما کشور ترکیه متأسفانه در برخی از این جرایم سکوت اختیار نموده و بعضی را جرم ندانسته است که این خود جای بس تأسف است. در خصوص رویکرد سیاست جنایی میتوان گفت: هر دو کشور ایران و ترکیه رویکردی پیشگیرانه و محکوم گرایانه دارد که همانگونه که گفته شد در بعضی جرایم کشور ترکیه سکوت اختیار کرده و صحبتی به میان نیارد مثل قوادی و یا پذیرش همجنس گرایی (دگر باش) و... اما از آنجایی که هر دو کشور مسلمان بوده و پیرو قرآن کریم می‌باشند اعمال منافی عفت را جرم تشخیص داده و در کل با برقراری قوانین و مقررات در این خصوص سعی به حفظ ساختارهای اجتماعی می‌باشند و در این میان کشور ایران از آنجایی که از ابزارهای فرهنگی و رسانه های



جمعی خود به گونه ای استفاده نموده که باعث اشاعه فرهنگ اسلامی و حفظ شئون اخلاقی می باشد بسیار و بسیار موفق تر از کشور ترکیه است زیرا تلویزیون و رسانه های کشور ترکیه با سیاست رسانه آزاد متأسفانه باعث بی بندوباری و ناکارایی قوانین جنایی این کشور شده و خود به نوعی ترویج دهنده این اعمال کریه و زشت می باشد و البته که کمبود و خلاء قانونی بسیاری در این کشور به چشم می خورد که پی آمد آن عدم امنیت برای افراد جامعه علل خصوص زنان و کودکان است. جرایم منافی عفت باتوجه به ماهیت و ویژگی هایی که این گروه از جرایم دارند از حساسیت و توجه ویژه ای برخوردارند.

سیاست کیفری، کشورما در مقابله با جرایم منافی عفت سیاست کیفرمدار و سزاگرا است با وجود سیطره و تسلط رویکرد سزادهنده در سیاست های تقنینی اما استفاده از توان و ظرفیت های دیگر رویکردهای کاربردی در عدالت کیفری از جمله رویکردهای اصلاحی و درمانی و ترمیمی از نظر سیاست گذاران کیفری دور نمانده است. هرآنقدر که در اعمال و اجرای مجازات های حدی سخت گیری و شدت عمل وجود دارد در مقابل رأفت و عطفوت اسلامی و توجه به وضعیت بزهکار و شرایط و اوضاع و احوالی که جرم را مرتکب شده نیز به همان مقدار گستردگی دارد در حقوق جزای اسلامی بی آن که هدف کشف جرم جنسی و افشای آن و مجازات مرتکب باشد، تلاش بر ستر و بزه پوشانی است و حتی احکام شرعیه بر لزوم منع مرتکب از اقرار به جرم حکایت دارد وضع نهادهای ارفاقی همچون قاعده درأ و عدم اثبات جرم و رفع مجازات مرتکب در اثر اندک شبهه و تردید، پذیرش توبه و امکان عفو مرتکب توسط حاکم از جمله مواردی است کته می توان به عنوان سیاست های اصلاحی قانونگذار اسلامی در برخورد با جرایم جنسی دانست. سخت گیری در ادله اثبات حدود و تقیید آن دلایل به شروط مختلف گویای این واقعیت است که قانونگذار هرگز به دنبال اثبات و احراز جرم حدی بویژه جرایم مخالف عفت عمومی نیست و به این طریق سعی در منع اشاعه فحشاء دارد. مقررات جزایی ما نیز که برگرفته از آموزه های شرعی است اخیراً با تصویب دو قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری حکایت از سوق سیاست های کیفری به رویکرد اصلاح و درمان دارد بنظر می رسد سیاست جنایی کشورمان در



جرایم جنسی صرفاً در برخورد کیفری از سیاست جنایی اسلام بهره برده است و دیگر سیاست های دین مبین مغفول مانده است اسلام در عین آنکه رویکرد سخت گیرانه به جرایم جنسی دارد ، سیاست های بازدارنده در جرایم جنسی را هم مدنظر قرار داده است تأکید به ازدواج اعم دائم و موقت ، تقویت باورهای دینی ، آسان سازی ازدواج جوانان از جمله این سیاست ها است که در جامعه ما در حال حاضر باتوجه به مشکلات مالی و اقتصادی این مهم کمتر مورد توجه و عمل است. و همچنین سیاست جنایی تقنینی ایران مبتنی بر بزه پوشی در رسیدگی به جرایم منافی عفت موجب شده که در اثبات این گونه از جرایم بیشتر متمرکز بر ادله قانونی نظر اقرار و شهادت باشیم و ادله علمی به ندرت با تاثیر گذاری بر علم قاضی مورد استناد قرار میگیرد. سیاست جنایی ایران در جرایم منافی عفت تعزیری تغییرات چندانی نداشته است. سیاست جنایی هر کشور باید منسجم و هماهنگ باشد درحالی که سیاست جنایی تقنینی ایران کیفر محور است اما سیاست جنایی قضایی با توجه به واقعیات اجتماع بخشی از مقررات کیفری را کاهش داده یا تعطیل کرده است. درباره جرایم منافی عفت تعزیری نیز قانون گذار از سیستم کیفردهی و سیاست جنایی سرکوب گر استفاده نموده است. در زمینه سیاست جنایی اجرایی و مشارکتی نیز با استفاده از دو جنبه فعال و منفعل آن با نهادهایی مانند امر به معروف و نهی از منکر و تدابیر امنیتی اقداماتی صورت گرفته است اما آن گونه که شایسته است و کامل باشد، چنین اهتمامی دیده نمی شود. فقدان هماهنگی در جنبه های مختلف سیاست جنایی ایران و وضعیت وقوع جرم و ناامنی در زمینه جرایم منافی عفت ناشی از سیاست جنایی ناهماهنگ و دور از واقعیت های اجتماعی است.

نتایج نشان داد که تجاوز به عنف، در سیستم قضایی ایران قابل اثبات نیست. زیرا متهم اقرار نمی کند. و اگر چنانچه برای اقرار متهم نیز شرایط خاصی قایل شویم، اقرار موضوعاً منتفی می شود. چون فرض بر این است که تجاوز با زور و عنف صورت گرفته است، بنابراین شاهی نیز نمی تواند وجود داشته باشد و در نهایت عمل ارتكابی را نمی توان ثابت کرد. با توجه به اینکه در عصر حاضر راه های اثبات دعوی کیفری جنبه علمی- معنوی پیدا کرده است، تردیدی نیست که



دلایل علمی- معنوی می تواند در کنار دلایل قانونی و در جهت تکمیل آنها کاربرد داشته باشد. اصلاح قوانین موضوعه با این دیدگاه می تواند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه امروزی باشد. به عبارتی در قانون مجازات اسلامی ایران برای اثبات تحقق بعضی از جرائم منافی عفت، به وجود دلایل خاص قانونی منوط شده است. اگر آن دلایل قانونی خاص وجود نداشته باشد، عمل منافی عفت ارتكابی قابل اثبات نخواهد بود. وجود این روش سبب می شود تا در بسیاری از موارد بزه ارتكابی قابل اثبات نباشد، زیرا تحصیل دلایل مورد نظر قانونگذار یا به سهولت امکان نمی یابد یا اساساً امکان پذیر نیست. در نتیجه حقوق قربانیان جرم و شکات خصوصی در جرائم منافی عفت تضییع می گردد و جامعه نیز در معرض ارتكاب جرائم مهم منكراتی قرار می گیرد.

از این رو تحولات و نوع اوری های قانون آیین دادرسی کیفری در هم گرایی و انطباق با آموزه ها و احکام اسلامی (سیاسیت جنایی اسلامی) در زمینه جرایم منافی عفت مثبت ارزیابی می گردد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که اعتماد بر تعقیب بدون حذف زمینه های بروز و ظهور بزهکاری و از میان برداشتن تکوین جرم، تکیه بر بنیادی سخت و متزلزل خواهد بود. به طور کلی در قانون مجازات اسلامی ایران برای اثبات جرائم منافی عفت به وجود دلایل خاص قانونی منوط شده است. چنانچه آن دلایل قانونی خاص وجود نداشته باشد و متهم انکار نماید هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان ممنوع است. و عمل منافی عفت ارتكابی قابل اثبات نخواهد بود. در این مورد نیز قانون جدید اقدام به تفکیک نموده و در صورتی که عمل ارتكابی با عتف و اکراه و آزار و یا ربایش صورت گرفته باشد قاضی موظف به تحقیق و بررسی می باشد.

• پیشنهادها و راهکارها

۱. با توجه به اینکه مبارزه بیشتر معطوف به معلول و پیشگیری ناظر به علت است، در زمینه پیشگیری از وقوع جرایم منافی عفت باید زیر ساخت های فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی و مذهبی را در نظر گرفت.

۲. خانواده ها باید با ایجاد محیطی آرام و سالم، آرامش روانی را برای فرزندان خود به ارمغان بیاورند و از ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده پرهیز نمایند. چراکه



محیط ناسازگار خانواده موجب دلسردی و افسرده شدن فرزندان شده و این وضع او را به انحراف و بزهکاری سوق خواهد داد.

۳. بهترین راهکار برای مقابله با افزایش جرایم منافی عفت، اقدامات فرهنگی است. بررسی شرایط و بسترهای تاثیرگذار در این امر با انجام کارهای علمی و تحقیقاتی لازم با هدف آگاه سازی عموم و ارایه راهکارهای قانونی و اخلاقی برای برقراری ارتباط سالم میان افراد به خصوص جوانان، مهمترین عامل در کاهش جرایم منافی عفت خواهد بود.

۴. پیشگیری از جرایم منافی عفت را می توان به سازمان های مردم نهاد واگذار کرد. اگر پیشگیری از این قبیل جرایم صرفا در دست دولت مردان و دستگاه قضایی باشد، نمی تواند کارآیی لازم را در این زمینه داشته باشد.

۵- بدون تردید در جهان امروزی دلایل علمی – معنوی (پلیس علمی و پزشکی قانونی) جایگاه ارزشمندی یافته است. چنانچه این روش در قلمرو حدود پذیرفته شود، تجاوز به عنف نیز به سهولت قابل اثبات خواهد بود.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- قانون اساسی ترکیه
- قانون اساسی ایران
- قانون آیین دادرسی کیفری
- آخوندی، محمود (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری (اندیشه ها). جلد اول؛ نشر استراق، تهران
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های شهر دانش
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، جلد دهم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۳۹
- شکر بیگی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۵)، قوانین کیفری ترکیه، تهران، انتشارات مجد
- صفاری، علی (۱۳۹۰)، مبانی نظری پیشگیری از جرم، مجله دانشکده حقوق شهیدبهبشتی، ش ۳۲.
- عمید، حسن، ۱۳۹۳، فرهنگ فارسی عمید شامل: واژه های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی (آ - د) (جلد ۱)، تهران: انتشارات امیر کبیر
- گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۸)، گستره قوانین کیفری از دیدگاه نظریه های جرم شناسی، مجله حقوقی دادگستری، ۲ (۶۶)، ۲۶۷-۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، جلد چهارم، تهران، نشر نی،
- محمدعلی زاده، جواد، ستوده چنچه، جواد (۱۳۹۴)، بررسی سیاست کیفری نسبت به جرایم منافعی عفت از منظر قانون آیین دادرسی کیفری و فقه امامیه، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق



ب) منابع انگلیسی

- Feride Acar a, Gülbanu Altunok, (2013), the 'politics of intimate' at the intersection of neo-liberalism and neo-conservatism in contemporary Turkey. Women s Studies International Forum 41:14-23
- Kutan, A. (2019). A framework for cyber crime investigation. Procedia Computer Science, 158, 287-294.
- . Shukan, A., Abdizhami, A., Ospanova, G., & Abdakimova, D. (2019). Crime control in the sphere of information technologies in the Republic of Turkey. Digital Investigation, 30, 94-100.
- . Rubin, C. (2010). Between Traditional Practice and Secular Law: Examining Honor Killings in Modern Turkey.
- Acar, F., & Altunok, G. (2013, November). The 'politics of intimate'at the intersection of neo-liberalism and neo-conservatism in contemporary Turkey. In Women's Studies International Forum (Vol. 41, pp. 14-23). Pergamon.
- Kogacioglu, D. (2004). The tradition effect: Framing honor crimes in Turkey. Differences: a journal of feminist cultural studies, 15(2), 119-151.
- Violence against Women in Turkey (2003). A Report to the Committee against Torture.
- . Liz E Amado(2003). Gender Discrimination in the Turkish Penal Code Draft Law Women for Women's Human Rights (WWHR) – New Ways.
- Meltem Müftüler-Bac (2000). TURKISH WOMEN'S PREDICAMENT. Women's Studies International Forum, Vol. 22, No. 3, pp. 303-315